

تجربیهاتی در برنامه‌ریزی زبان

یحیی مدرس



برنامه‌ریزی زبان، مطابق یک تعریف عمومی، فعالیتی است سازمان یافته و روشمند که به منظور ایجاد تغییرات آگاهانه در ساخت یا کاربرد زبان انجام می‌گیرد. این نوع برنامه‌ریزی، مانند بسیاری از جنبه‌های دیگر برنامه‌ریزی، معمولاً به وسیله مؤسسات دولتی به اجرا درمی‌آید و از این نظر می‌توان آن را به‌طور کلی فعالیتی دولتی دانست. اما از آنجا که زبان یکی از مهمترین نهادهای جامعه‌های انسانی است، نقش مردم یا اعضای جامعه‌های زبانی نیز در پیشبرد و موفقیت برنامه‌ریزیهای زبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در طول چند دهه گذشته، بسیاری از کشورهای جهان برای حل مسائل زبانی خود به برنامه‌ریزیهای زبان در عرصه‌های گوناگون دست زده و به نتایج مختلفی رسیده‌اند. ایران، هندوستان، چین، اندونزی، پاکستان، مصر، ترکیه، نروژ، کانادا، و فیلیپین، از جمله کشورهای متعددی هستند که در دوران اخیر در

زمینه‌های گوناگون زبان به برنامه‌ریزی پرداخته و تجربیات ارزشمندی به دست آورده‌اند. هر یک از این تجربیات برای کل جامعه بشری گرانبها و ارزنده است و برنامه‌ریزان زبان در کشورهای مختلف می‌توانند در فعالیتهای آینده خود از آنها بهره‌گیرند. در بحث حاضر، نمونه‌هایی از این تجربیات در چین مورد بررسی قرار می‌گیرد و امید است که در آینده نیز فعالیتهای برنامه‌ریزان زبان در کشورهای دیگر به علاقه‌مندان معرفی گردد.

چین از جمله کشورهایی است که به واسطه مسائل زبانی متنوع آن، تجربیات فراوانی در زمینه‌های گوناگون برنامه‌ریزی زبان به دست آورده است. آشنایی با این مسائل و تجربیات می‌تواند برای برنامه‌ریزان زبان در سایر کشورها سودمند و آموزنده باشد و به همین دلیل در چند سال گذشته، برخی از زبان‌شناسان چینی و غیرچینی به بررسی و ارزیابی فعالیتهای برنامه‌ریزی زبان در این کشور پرداخته و متخصصان و علاقه‌مندان مسائل برنامه‌ریزی زبان را با تجربیات چینی‌ها آشنا ساخته‌اند. یکی از جامعترین گزارشهای موجود در این زمینه، کتابی است که با همکاری گروهی از زبان‌شناسان آمریکایی، که در سال ۱۹۷۴ از چین دیدار کردند، فراهم شده است. چهره‌های سرشناسی مانند وینفرد لمن، ویلیام لباو، ویکتوریا فرامکین، و چارلز فرگسن از جمله اعضای این هیئت بودند و کتاب زبان و زبان‌شناسی در جمهوری خلق چین^۱، گزارش مشاهدات و بررسیهای آنهاست که به ویراستاری لمن به چاپ رسیده است. البته در چند سال گذشته، کتابها و مقالات دیگری نیز در زمینه برنامه‌ریزی زبان در چین، انتشار یافته است که آخرین آنها، برنامه‌ریزی زبان چینی^۲ نام دارد و مجموعه‌ای است از مقالات زبان‌شناسان چینی و غیرچینی که به ویراستاری بیورن یرند فراهم آمده و یک شماره کامل از مجله بین‌المللی جامعه‌شناسی زبان را به خود اختصاص داده است.

برای درک بهتر برنامه‌ریزیهای زبان در چین، باید دو ویژگی مهم زبانی این کشور را مورد توجه قرار داد. ویژگی نخست، تنوع بسیار قابل ملاحظه زبانها و گویشهای این کشور است که هر یک میلیونها گوینده دارد. زبانها و گویشهای چین اغلب دارای خویشاوندی تاریخی هستند و به خانواده بزرگ چینی-تبتی یا

هندوچینی وابسته‌اند. از مهمترین شاخه‌های این خانوادهٔ زبانی، گویشهای مندرین در شمال، غرب، و نواحی مرکزی چین (پکن، سچوان، نانکن و...)، گویشهای کانتونی در جنوب (کانتون، هنگ کنگ و...)، گویشهای مین^۳ در جنوب (فوکین و...)، گویشهای وو^۴ در شانگهای و نواحی مرکزی را می‌توان نام برد. هر یک از این شاخه‌ها، خود شامل گویشهای گوناگونی است که برخی از آنها با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند و این تفاوت‌ها گاه به حدی است که برقراری ارتباط میان گویندگان آنها را غیرممکن می‌سازد. به علاوه، زبانهای دیگری چون میائو^۵، یائو^۶ و مانچو^۷ نیز در این کشور (بیشتر در نواحی جنوب غربی) رایج هستند که به خانواده‌های زبانی دیگری وابسته‌اند. گوناگونی زبانها و گویشها در چین، مسئلهٔ ارتباط میان مردم این کشور پهناور را عملاً با مشکل روبرو می‌کند و همین دشواریها در امر ارتباط، وجود يك زبان مشترك در سطح کشور را ضروری می‌سازد.

ویژگی دیگر، وجود نظام نوشتاری واژه‌نگار یا خط سنتی چین است که نشانه‌های آن نمایانگر واژه‌ها و واژکها هستند. استفاده از این نظام که دارای نشانه‌های پیچیده و فراوانی است، یادگیری خط را با دشواریهای جدی روبرو می‌کند و از همین روست که نیاز به تغییر یا اصلاح نظام نوشتاری نیز احساس شده است. البته، به رغم مشکلات آموزشی، خط سنتی چینی به دلایل مختلف مانند جنبهٔ هنری آن و نیز نقشی که به عنوان «زبان مشترك» بازی می‌کند، دارای طرفداران بسیاری است. این دو ویژگی، یعنی تنوع زبانی و خط سنتی، ریشهٔ اصلی بخش قابل ملاحظه‌ای از مسائل و مشکلات زبانی در چین است و به همین جهت، برنامه‌ریزان زبان، بویژه در سالهای پس از انقلاب، بیشتر سه هدف زیر را مورد توجه قرار داده‌اند: گسترش يك زبان مشترك در سطح کشور، ساده‌سازی نشانه‌های خط سنتی، و جایگزین‌سازی نظام واژه‌نگار سنتی با يك خط الفبایی. در مقالهٔ «اصلاحات زبانی» که بخشی است از کتاب زبان و زبان‌شناسی در جمهوری خلق چین و ترجمهٔ فارسی آن در زیر می‌آید، این هر سه جنبه از برنامه‌ریزی زبان در این کشور به اختصار مورد بحث قرار می‌گیرد.

* * *

اصلاحات زبانی

جنبش اصلاح زبان در چین، از نظر اهمیت مسائل و تعداد افرادی که زیر تأثیر آن قرار می‌گیرند، و نیز به لحاظ ماهیت نظاممند برنامه‌ریزی و اجرای آن، و بالاخره از لحاظ میزان دخالت توده مردم بیمانند است. با این حال، مطالعه تطبیقی روندهای برنامه‌ریزی زبان که اخیراً گسترش یافته، توجه چندانی به چین نداشته است. حتی مطالعات اخیر زبانشناسان امریکایی درباره برنامه‌ریزی زبان در چین، اطلاعات محدودی درباره کارهای انجام شده پس از سال ۱۹۶۴ به دست داده است. در این بحث، برای علاقه‌مندان به مطالعه روندهای برنامه‌ریزی زبان، اطلاعاتی در مورد جنبش اصلاح زبان ارائه می‌گردد و مطالبی درباره تحولات پس از سال ۱۹۶۴ که می‌تواند برای علاقه‌مندان به مطالعات چین‌شناسی دارای ارزش ویژه‌ای باشد، به دست داده می‌شود.

جنبش اصلاح زبان دارای سه جنبه است: (۱) ساده‌سازی نشانه‌ها، یعنی کاهش تعداد اجزای نشانه‌های خط چینی و حذف گونه‌ها و نشانه‌های غیر ضروری؛ (۲) گسترش زبان مشترک یا پوتونگ‌ها^۱؛ و (۳) ایجاد و گسترش الفبای آوایی ملی. پس از مقدمه‌ای درباره تاریخچه برنامه‌ریزی و بحث مختصری درباره کمیته اصلاح زبان، که مؤسسه اصلی برنامه‌ریزی زبان در چین است، هر يك از این جنبه‌ها به ترتیب مورد بحث قرار می‌گیرد. . . .

۱. پیشینه تاریخی: سابقه برنامه‌ریزی عمومی در مورد مسائل زبان در چین، حداقل به سال ۲۱۳ پیش از میلاد برمی‌گردد که لی سی^۹ به عنوان بخشی از کوششهایی که به وسیله چین شی هوانگ‌دی^{۱۰} برای وحدت کشور به عمل آمد، به یکسان سازی نشانه‌های خط چینی پرداخت. در آن زمان لی سی به انتشار فهرستی شامل بیش از ۳۰۰ نشانه نوشتاری دست زد و بسیاری از گونه‌های مختلف نشانه‌های خط چینی را کنار گذاشت. ظاهراً همین شخص مجموعه همگونی از اصطلاحات و صورتهای گفتاری را برای کاربرد در مکاتبات رسمی و اسناد دولتی نیز فراهم آورد. اما نسلهای بعدی پیوسته بر تعداد نشانه‌های نوشتاری، پیچیدگی نشانه‌ها و

گونه‌های مختلف هر نشانه افزودند. از سوی دیگر، بسیاری از مردم نیز در دست‌نوشته‌های خویش به ساده‌سازی نشانه‌ها پرداخته‌اند و این گرایش است که در چهارچوب ایدئولوژی حاکم، به شرکت مردم در مقابله با نخبه‌گرایی دانشمندان تعبیر می‌گردد.

زبان نوشتار در طول تاریخ به مثابه عاملی وحدت‌بخش به‌شمار آمده است. گویش پکن، حداقل از زمانی که این شهر در قرن چهاردهم میلادی به عنوان پایتخت برگزیده شد، در روند پیدایش و گسترش يك زبان گفتاری مشترك در سطح کشور، دارای نوعی برتری طبیعی بوده است. در کنار زبان ادبی، گونه گفتاری پکن نیز در برخی از انواع ادبیات به‌کار گرفته می‌شد. در نخستین روزهای استقرار جمهوری در سال ۱۹۱۹، مبارزه‌ای به رهبری گروهی به نام «جنبش چهارم ماه می»^{۱۱} برای به‌کارگیری این زبان گفتاری جدید، به عنوان پایه چینی نوشتاری آغاز گردید.

در طول تاریخ زبان چینی میزان به‌کارگیری نشانه‌های آوایی که نمایانگر چگونگی تلفظ هستند، در برابر نشانه‌هایی که نمایانگر معنی هستند، به نحو قابل ملاحظه‌ای دچار دگرگونی شده است. از آنجا که ابتدایی‌ترین نشانه‌ها تقریباً به‌طور کامل اندیشه‌نگار بوده‌اند و امروز اغلب نشانه‌های مورد استفاده (جز برخی از متداولترین آنها)، خصیلتی آوایی دارند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که به‌طور کلی گرایش خط چینی به سوی آوایی شدن بیشتر بوده است. این گرایش اکنون به عنوان دلیلی برای توجیه سیاست تبدیل نظام نوشتاری فعلی به الفبای آوایی مطرح می‌گردد. کاربرد نظام نوشتاری الفبایی در بیشتر زبانهای دنیا، دلیل دیگری است که برای به‌کار گرفتن آن در چینی نوشتاری عنوان می‌شود. کوششهای تازه‌ای که در زمینه استفاده از نشانه‌های آوایی به‌عمل آمده است، از قرن نوزدهم آغاز گردید و در فاصله سالهای ۱۹۱۱ تا ۱۹۴۹ طرحهای گوناگونی از سوی گروههای مختلف مردم در این زمینه ارائه شد.

مائوتسه تونگ و حزب کمونیست چین خیلی زود نظر مثبت خود را در مورد اصلاح زبان در هر سه زمینه ساده سازی نشانه‌ها، گسترش پوتونگ‌هوا، و

به‌کارگیری الفبای آوایی ابراز داشتند. مائو در سال ۱۹۴۰ اعلام کرد که «زبان نوشتاری باید اصلاح گردد» و در سال ۱۹۵۱ اضافه نمود که اصلاح نظام نوشتاری چینی باید در جهت استفاده از نشانه‌های آوایی باشد. ده روز پس از انقلاب ۱۹۴۹، مجمع اصلاح زبان تأسیس گردید که در سال ۱۹۵۲ به کمیته تحقیق درباره اصلاح زبان تبدیل شد و زیر نظر دولت فعالیت خود را دنبال نمود. در سال ۱۹۵۴ تغییراتی در سازمان این کمیته داده شد و با نام کمیته اصلاح زبان زیر نظارت مستقیم شواری عالی کشور قرار گرفت. وظیفه این کمیته آن بود که زبان چینی را در خدمت کارگران و دهقانان قرار دهد و آن را در راه پیشبرد ساختمان سوسیالیستی کشور به‌کار گیرد. در اکتبر سال ۱۹۵۵ کنفرانس ملی اصلاح زبان نوشتاری و در پی آن کنفرانسی درباره معیارسازی زبان چینی جدید از سوی کمیته اصلاح زبان برگزار گردید. کنفرانس اول کار خود را بر پایه پیش‌نویس طرح ساده‌سازی نشانه‌ها، که قبلاً در سطح گسترده‌ای مورد بررسی و نظرخواهی قرار گرفته بود، و نیز شش نظام الفبایی دیگر، که به‌وسیله کمیته اصلاح زبان تهیه گردیده بود، قرار داد و پیشنهادات و توصیه‌های خود را به صورت یک طرح اصلاح‌شده ساده‌سازی نشانه‌های خط سنتی و یک نظام الفبای لاتین به نام پین‌ین^{۱۲} ارائه داد. در ژانویه ۱۹۵۶ طرح ساده‌سازی نشانه‌ها مورد قبول شورای عالی کشور قرار گرفت و در فوریه همان سال طرح جایگزین‌سازی الفبای لاتین از سوی کمیته برای نظرخواهی از متخصصان و مسئولان محلی در سراسر کشور انتشار یافت. در کنفرانس معیارسازی، زبان پوتونگ‌ها به‌عنوان زبان مشترک مورد تأیید قرار گرفت.

۲. کمیته اصلاح زبان: در حال حاضر این کمیته دارای بیش از بیست عضو با بیش از سی نفر کادر دفتری است. تعداد اعضای کمیته به مانند سالهای گذشته ثابت بوده، اما با توجه به کهولت یا مرگ برخی از اعضا مسئله افزایش تعداد اعضا اخیراً مورد توجه قرار گرفته است. جلسات کمیته دارای برنامه ماهانه یا هفتگی ثابت و مشخصی نیست و تنها در موارد لزوم برای بررسی و تبادل نظر درباره مسائل مهم یا طرحهای پیشنهادی تشکیل می‌گردد.

کادر دفتری از چهار گروه اصلی تشکیل می‌گردد که عهده‌دار امور زیر می‌باشند:

۱. گردآوری نشانه‌های ساده‌شده، که به وسیله مردم پیشنهاد گردیده یا به کار گرفته می‌شود، معیارسازی این نوع نشانه‌ها و تهیه فهرستی از آنها برای بررسی از سوی کمیته.

۲. فعالیت در زمینه معرفی و گسترش زبان پوتونگ هوا و کاربرد خط پین‌ین.

۳. تحقیق در مورد کاربردهای تخصصی یا جدید الفبای پین‌ین در امور گوناگون مانند ارتباط تلگرافی.

۴. فعالیتهای تبلیغاتی از قبیل سازمان‌دهی افراد برای نگارش مقالاتی درباره اصلاح زبان در روزنامه‌ها و مجلات.

کمیته اصلاح زبان با مؤسسات آموزشی ارتباط نزدیک دارد و در زمینه بعضی از مسائل نظری با مؤسسات علمی و دانشگاهها همکاری می‌نماید. برخی از متخصصان دانشگاههای مختلف، خود از اعضای این کمیته هستند. اعضای کمیته غالباً برای انجام تحقیقات به نقاط مختلف کشور مسافرت می‌کنند. البته بسیاری از وظایف این کمیته و یا کارهایی که در جهت هدفهای آن است به وسیله سازمان‌های محلی نیز انجام می‌گیرد.

در برخی از نقاط کشور، کمیته‌های جداگانه‌ای مانند کمیته اصلاح زبان در سین‌جیانگ^{۱۳}، وجود دارد که در امر گسترش نظامهای نوشتاری جدید برای زبانهای اویغوری و قزاقی بسیار فعال هستند. اما در بیشتر شهرها این نوع کارها به وسیله ادارات آموزش و پرورش انجام می‌گیرد.

در کشورهای دیگر، برنامه‌ریزیهای زبان از طریق مؤسسات برنامه‌ریزی زبان متفاوتی انجام می‌گیرد. در برخی موارد، این برنامه‌ها به فرهنگستانهای مستقلی سپرده می‌شود که از اعتبار قابل ملاحظه‌ای برخوردارند و دارای اعضای محدودی هستند که از میان دانشمندان برجسته انتخاب می‌گردند. این فرهنگستانها معمولاً به انتشار طرحهای بلندمدتی چون تدوین واژه‌نامه‌های تاریخی می‌پردازند و کمتر به اجرای تصمیمات خود در زمینه برنامه‌ریزی زبان دست می‌زنند. چنین مؤسساتی

(مانند فرهنگستان زبان عبری در اسرائیل)، غیر از برنامه‌ریزی زبان، نقشهای اجتماعی دیگری نیز به عهده دارند. در موارد دیگر (مانند مالزی)، سازمان اصلی برنامه‌ریزی، مؤسسه‌ای است با يك كادر علمی ورزیده که فعالیتهای گسترده اجرایی را در زمینه انتشارات، تربیت معلم، و غیره عهده‌دار می‌شود و از کارشناسان برای تصمیم‌گیری درباره برنامه‌ریزی زبان دعوت می‌کند. در چین مسائل زبان به عهده کمیته معتبری از دانشمندان بلندپایه است، که در فواصل زمانی زیاد تصمیماتی را اعلام می‌کند و از وجود محققانی بهره‌مند است که انجام پژوهشهای لازم برای تصمیم‌گیریها را برعهده دارند، انواع گوناگون فعالیتهای مربوط به زبان را مورد حمایت قرار می‌دهد یا خود به انجام می‌رساند، و به فعالیتهای تبلیغاتی مناسب می‌پردازد. این کمیته در مواقع ضروری از پشتیبانی عالیترین مرجع دولتی یعنی شورای عالی کشور برخوردار می‌گردد.

کمیته اصلاح زبان در چین دارای دو ویژگی جالب است: یکی طبیعت ویژه این سازمان برنامه‌ریزی زبان است و دیگری خارج بودن برنامه‌های واژگان‌نگاری و واژه‌سازی در سطح اصطلاحات فنی از حوزه مسئولیتهای آن. این کمیته مانند يك مؤسسه یا فرهنگستان دارای استقلال و تداوم نیست بلکه کمیته‌ای است انتصابی که اعضای آن در بیست سال گذشته ثابت بوده است و هیچ نقشی جز فعالیت در زمینه برنامه‌ریزی زبان به عهده ندارد.

در بسیاری از کشورها مسئله گسترش واژگان فنی یکی از وظایف مهم برنامه‌ریزی زبان و یکی از برجسته‌ترین فعالیتهای مؤسسه اصلی برنامه‌ریزی زبان به‌شمار می‌رود. در چین این کار، تقریباً به طور کامل از وظایف کمیته اصلاح زبان جدا گردیده است. البته این کمیته به برخی از مسائل واژگانی نیز می‌پردازد اما این کار تنها در چهارچوب انتخاب صورت معیار از میان چند واژه هم‌معنا یا غنی ساختن واژگان زبان با به کار گرفتن اصطلاحات و واژه‌های مناسب و زنده در زبان کارگران، دهقانان، و سربازان انجام می‌گیرد. وظیفه واژه‌سازی و معیارسازی اصطلاحات فنی به مؤسسات دیگر محول شده است. در گذشته این کار به وسیله بخش واژه‌ها و اصطلاحات فرهنگستان علوم چین انجام می‌شده است اما از ادامه کار و فعالیتهای

کنونی این بخش اثری مشاهده نمی‌شود. از پرسشهای به‌عمل آمده در کارگاه‌ها و کارخانجات در مورد سازمانی که مسئولیت‌گزینش اصطلاحات جدید را به‌عهده دارد و پاسخهای مربوطه، چنین برمی‌آید که از یک سو، اصطلاحات نودر حداقل ممکن نگهداشته شده است و با کاربرد عملی آنها پیوند دارد و از سوی دیگر، واحدهایی در وزارت‌خانه‌های مربوط در پکن برای ماشینهای جدید واژه‌سازی می‌کنند و این واژه‌ها را در سراسر کشور انتشار می‌دهند. جدیدترین فرهنگ اصطلاحات فنی، فرهنگ جامع اصطلاحات رادیو و الکترونیک به زبانهای انگلیسی، ژاپنی و چینی است که برای استفاده‌افزادی که متون فنی انگلیسی یا ژاپنی را مورد مطالعه قرار می‌دهند تنظیم گردیده است. در این فرهنگ، معادلهای چینی، بیشتر جنبه‌تعریف و توصیف دارند و کمتر به صورت اصطلاحات فنی جداگانه آمده‌اند. در چین، برنامه‌ریزی زبان در زمینه‌واژه‌سازی و آفرینش اصطلاحات و صورتهای تازه، نیازمند مطالعات منظم و گسترده‌کارشناسان برنامه‌ریزی زبان و متخصصان زبانشناسی چینی است.

۳. ساده‌سازی نشانه‌ها: تا سال ۱۹۴۹، بیشتر کوششها در زمینه‌اصلاح زبان صرف تهیه‌طرحهایی برای الفبایی کردن نظام نوشتاری چینی می‌گردید، اما پس از استقرار حکومت جمهوری خلق، مسئله‌ساده‌سازی نشانه‌های خط سنتی چینی در درجه‌اول اهمیت قرار گرفت. این جنبه از کار اصلاح زبان از آغاز انقلاب تاکنون فعالانه دنبال شده است و اکنون کمیته‌اصلاح زبان فهرست جدیدی از نشانه‌های ساده شده را برای انتشار آماده کرده است.

در سال ۱۹۵۰ فهرستی از نشانه‌های ساده‌شده رایج و پرکاربرد انتشار یافت. در سالهای بعد، پس از بحثها و بررسیهای گسترده، کمیته‌اصلاح زبان با همکاری وزارت آموزش و پرورش پیش‌نویسی از تعداد قابل ملاحظه‌ای از نشانه‌های ساده‌شده پیشنهادی را منتشر ساخت. این فهرست برای بحث و بررسی در سطحی گسترده در ۳۰۰۰۰۰ نسخه تکثیر و توزیع شد. در ژانویه سال ۱۹۵۶ فهرستی از ۵۴۴ نشانه از سوی شورای ملی کشور منتشر گردید که شامل ۵۱۵ نشانه ساده شده و ۲۹ نشانه قابل حذف بود. مقایسه نشانه‌های ساده شده با صورت اصل آنها نشان

می دهد که به طور متوسط هشت تا شانزده جزء از هر نشانه کاسته شده است. در سال ۱۹۶۴ کمیته اصلاح زبان فهرستی شامل بیش از ۲۰۰۰ نشانه ساده شده انتشار داد، که بسیاری از آنها در نتیجه کاربرد عناصر ساده شده در نشانه های گوناگون، به وجود آمده بود. در همین سال وزارت فرهنگ و کمیته اصلاح زبان، فهرستی شامل بیش از ۶۰۰۰ نشانه استاندارد برای استفاده در چاپخانه ها منتشر کردند. تعداد ۲۱۴ نشانه اصلی که به طور معمول در تنظیم بسیاری از فرهنگها یا واژه نامه ها به کار گرفته می شد، به ۱۸۹ نشانه کاهش داده شد.

از سال ۱۹۶۴، کمیته اصلاح زبان سرگرم گردآوری نشانه هایی است که به وسیله مردم ساده شده اند. در سال ۱۹۷۳ این کمیته، فرهنگ کوچکی از نشانه های خط چینی منتشر نمود که در آن نشانه های ساده شده جدید گنجانیده شده است. کمیته در مورد تمام این نشانه های ساده شده بررسیهای منظمی را انجام می دهد و فهرستی از آنها را برای تصویب در اختیار دولت مرکزی می گذارد. فهرست تصویب شده دوباره برای بحث و اظهار نظر در اختیار مردم قرار می گیرد و پس از آخرین اصلاحات، کمیته اصلاح زبان فهرست نهایی را برای تصویب رسمی آماده می کند. بنابه گفته یکی از اعضای کمیته، در سال ۱۹۷۵، فهرستی شامل ۱۰۰ نشانه ساده شده به چاپ سپرده شده است.

امروز تمام کتابهای تازه با استفاده از نشانه های ساده شده چاپ می شوند. تنها در موارد معدودی، مانند چاپ متون باستانی برای بررسیهای تاریخی درباره نظام نوشتاری، از نشانه های اصلی (ساده نشده) استفاده می گردد. این نوع نشانه های مرکب که از لحاظ خط با ارزش هستند، در نسخه های عکسبرداری شده نوشته های کهن نیز وجود دارد.

در خیابانها تابلوی مغازه ها به طور کلی با نشانه های ساده شده نوشته می شوند، اما در برخی از آنها نیز نشانه های مرکب، که به سبکهای خاصی از هنر خطاطی نوشته شده، حفظ گردیده اند. به عنوان مثال، در تابلوی «بانک مردم چین» برخی از اجزا با استفاده از نشانه های ساده نشده نوشته شده اند. گفته های مائوتسه تونگ نیز، اگر در نسخه دست نویس از نشانه های ساده نشده و مرکب استفاده شده باشد، به

همان صورت نوشته می‌شود.

در مدارس، نشانه‌های ساده‌شده تدریس می‌گردد و برخی از شاگردان علاقه‌مند به آسانی توانسته‌اند نشانه‌های مرکب را از روی کتابهایی که در گذشته چاپ شده‌اند، در منزل بیاموزند. بزرگسالان و بویژه افراد کهنسال نیز گاه نام خود را با استفاده از نشانه‌های مرکب می‌نویسند.

سیاری از نشانه‌های ساده‌شده جدید که هنوز رسماً به تصویب نرسیده است نیز وجود دارد. این گونه نشانه‌ها در مواردی مانند اعلامیه‌ها یا برنامه‌هایی که به صورت ماشین شده تکثیر می‌گردند و نیز در شعارهای دیواری به چشم می‌خورد. مثلاً شعار «در کشاورزی از دازه‌های^{۱۴} بیاموزیم»، به دو صورت نوشته می‌شود:

农 业 学 大 寨
农 业 学 大 寨

در اینجا 寨 یک نشانه ساده‌شده جدید است که در آن جزء 在 (Zai) با Zhai هم آوا نیست بلکه هم قافیه آن است. در زیر چند نشانه ساده‌شده جدید همراه با صورت اصلی آنها داده شده است:

صورت اصلی	صورت ساده‌شده	تلفظ	معنی
餐	𠂇	cān	غذا
酒	𠂇	jiǔ	شراب
漆	𠂇	qī	رنگ
稻	𠂇	dào	محصول برنج
副	𠂇	fù	نماینده
赛	𠂇	sài	رقابت کردن

به نظر می‌رسد که کار ساده‌سازی نشانه‌هایی که از اجزای متعددی تشکیل یافته‌اند، در جهت کلی سیر می‌کند و آن قابل تجزیه کردن هر نشانه به اجزایی است

که خود واژه‌های مستقلی هستند تا بتوان آنها را به طور جداگانه تلفظ کرد. به عنوان مثال، نشانه ㄅ اکنون دارای يك تركيب بالا-پایین است که بخش بالا، bǎogài، tóu به معنی «رادیکال دربرگیرنده» و بخش پایین، واژه zài به معنی «بودن در» است. به وجود آمدن چنین گرایشی در ساده‌سازی نشانه‌ها احتمالاً باروش آموزش آنها در مدارس مرتبط است. شاگردان از نخستین سال تحصیل، روش تجزیه نشانه‌ها به عناصر سازنده آنها را می‌آموزند.^{۱۵} طبیعتاً تجزیه و به‌خاطر سپردن نشانه‌هایی که دارای اجزای مستقل و قابل بیان هستند آسانتر است. نشانه‌های ساده‌تر نیز معمولاً برای نمایاندن اجزای آوایی به‌کار گرفته می‌شوند.

۴. گسترش پوتونگ‌ها: گذشته از شش درصد از کل جمعیت چین که به زبانهای اقلیت، یعنی زبانهایی چون تبتی و مغولی سخن می‌گویند، بقیه مردم این کشور کم‌وبیش به يك خانواده زبانی واحد گفتگومی کنند که گاه زبان هان^{۱۶} نامیده می‌شود تا از زبانهای غیر هان^{۱۷} اقلیتها جدا شود، و گاه در مفهومی کلیتر، چینی نامیده می‌شود. برخی از گونه‌های محلی هان با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند و برخی دیگر تا حد زیادی برای گویندگان یکدیگر غیر قابل فهم اند. حداقل هشت گروه گویشی اصلی وجود دارد که اگر نگرش گویندگان آنها و این واقعیت که همه به‌طور سنتی از يك نظام نوشتاری واحد استفاده می‌کنند در نظر گرفته نشود، دارای آنچنان تفاوت‌هایی هستند که می‌توان آنها را زبانهای جداگانه و مستقلی دانست. بزرگترین گروه، گویشهای چینی شمالی است که حداقل هفتاد درصد گویندگان هان را دربر می‌گیرد. دیگر گروه‌های گویشی عبارتند از گویشهای وو، سیانگ^{۱۸}، گان^{۱۹}، هاکا^{۲۰}، مین شمالی، مین جنوبی، و کانتونی که هر يك دارای میلیونها گوینده هستند. هر چند يك اشتراك و وحدت اساسی در واژگان و دستور این گویشها وجود دارد، اما در ویژگیهای بنیادی آنها، مانند دستگاه ضمائر نیز تفاوتها قابل ملاحظه است. دستگاه واجی این گویشها نیز از نظر ویژگیهایی چون سیستم نواخت و همخوانهای پایانی مجاز، تفاوت‌های زیادی دارند.

در طول بیش از ۵۰۰ سال، چینی نوشتاری تا حدودی بر پایه گویش شمالی رایج در پکن استوار بوده است. چینی مندرین یا گوان‌هاوا^{۲۱} (زبان رسمی) که سالها

به عنوان زبان میانجی^{۲۲} برای ارتباط میان مردم چین به کار گرفته شده، گونه‌ای قدیمی از گویش پکن بوده است. بنابراین، انتخاب گویش پکن به عنوان زبان مشترک، در سالهای ۱۹۵۵ و ۱۹۵۶ و ارتقاء موقعیت آن، در واقع به رسمیت شناختن و تقویت گرایش بود که از مدتها پیش در چین وجود داشته است.

شورای ملی کشور از کلیه مدارس در سطح کشور خواست که از پاییز سال ۱۹۵۶ پوتونگ هوا را به عنوان زبان آموزش به کار گیرند و بدین سان، الگوی حاکم یعنی استفاده از گویشهای محلی در نظام آموزشی، دچار دگرگونی شد. در فاصله سالهای ۱۹۵۶ و ۱۹۶۰ کمیته اصلاح زبان با همکاری مؤسسات دیگر اقدام به تشکیل ده دوره آموزشی در زمینه آواشناسی زبان پوتونگ هوا کرد و جمعا دوهزار نفر را برای همگانی کردن و گسترش این زبان آموزش داد. در فاصله سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۴ چهار کنفرانس برای تبادل تجربیات در زمینه همگانی کردن و گسترش پوتونگ هوا برگزار گردید و از این رهگذر معلمها تجربیاتی اندوختند، شاگردان گردهم آییهای برپا کردند، و رفته رفته، افراد بیشتری به لزوم همگانی کردن و گسترش پوتونگ هوا پی بردند.

در سال ۱۹۵۸ سه واقعه پراهمیت در چین اتفاق افتاد: چوئن لای نخست وزیر وقت اعلام کرد که گسترش زبان پوتونگ هوا يك وظیفه مهم سیاسی است؛ کنگره خلق کاربرد الفبای پین‌ین را به عنوان وسیله‌ای برای گسترش پوتونگ هوا مورد تصویب قرار داد؛ و مائو اعلام کرد که تمام کادرها (کارکنان حزبی و دستگاه اجرایی) باید پوتونگ هوا را بیاموزند.

از شهرستان دایتان^{۲۳} در استان فوجی، به عنوان نمونه‌ای از پیشرفتهای حاصله در این زمینه نام برده شده است. در این شهرستان سه گویش اصلی و بیش از ده گویش فرعی وجود دارد. گوناگونی گویشها به حدی بود که ساکنان مزرعه‌های مجاور نمی‌توانستند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. به عنوان مثال، يك کادر حزبی از بخش شمالی، برای ایراد يك سخنرانی به سه تا هفت نفر مترجم نیاز داشت. رهبران حزب با تمرکز نیرو در مدارس، کلاسهای شبانه، و مراکز تجمع عمومی نقش فعالی در گسترش پوتونگ هوا به عهده گرفتند. در جریان انتقاد از لین بیائو و

کنفوسیوس در سالهای گذشته، پیشرفتهایی در جهت گسترش پوتونگ هوا انجام گرفت. اخیراً یکی از مقامات رسمی این شهرستان با استفاده از این زبان و بدون نیاز به مترجم برای ۱۲۰۰۰۰ نفر از مردم از طریق رادیو سخنرانی کرد.

سیاست بنیادی در گسترش پوتونگ هوا شامل سه اصل است که به «اصول دوازده نشانه‌ای» معروفند و عبارتند از: (۱) تشویق مردم در جهت به‌کار گرفتن پوتونگ هوا در موقعیتهای اجتماعی بیشتر و بیشتر؛ (۲) انتخاب مناطق و گروههای اجتماعی خاص برای گسترش این زبان؛ (۳) حرکت تدریجی و گام به گام به عنوان مثال، مردم تشویق می‌شوند که در گفتگو با افراد تازه‌وارد از استانهای دیگر و در موقعیتهای رسمی از پوتونگ هوا استفاده کنند. در مورد انتخاب اماکن و گروههای اجتماعی، آزمایشهایی در مدارس، ادارات پست و تلگراف، و نیز به‌طور کلی در میان جوانان انجام شده است. مثلاً در شانگهای، یعنی یکی از مناطقی که برنامه گسترش پوتونگ هوا با بیشترین موفقیت همراه بوده است، پنج گروه از مردم یعنی فروشندگان مغازه‌ها، کارکنان هتلها، رانندگان اتوبوس و تراموا، کارکنان راه‌آهن، و گویندگان رادیو انتخاب شدند. براساس اصل سوم یا گسترش تدریجی پوتونگ هوا، پذیرفته شده است که همه افرادی که به این زبان سخن می‌گویند الزاماً نباید تمام ویژگیهای تلفظی مردم پکن را داشته باشند.

در مورد گویشهای محلی، سیاست کلی آن است که این گویشها برای امر ارتباط سودمند اما گویندگان آنها باید علاوه بر گویشهای محلی خود، پوتونگ هوا را نیز بیاموزند. کادرهای حزبی نیز باید گویش منطقه‌ای را که در آن فعالیت دارند یاد بگیرند. سیاست زبانی در مناطقی که زبانهای اقلیت کاربرد دارد، متفاوت است؛ در این مناطق تنها در صورتی که مردم خود علاقه‌مند به یادگیری پوتونگ هوا باشند، این زبان آموخته می‌شود و هنگامی که گویندگان زبان هان برای کار به این مناطق می‌روند، باید زبان محلی رایج در منطقه را بیاموزند. به‌طور کلی این واقعیت پذیرفته شده است که گسترش یک زبان مشترک در میان مردم کشور پهناوری مانند چین، که دارای ترکیب جمعیتی پیچیده‌ای است، کاری دشوار و مستلزم کوششهای پیوسته و درازمدت است.

برای مقایسه گسترش زبان مشترك در چین با کوششهای مشابه در کشورهای دیگر، و نیز برای بررسی و تخمین نتایج احتمالی این برنامه در چین، توجه به دو نکته از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است: یکی تفاوت‌های منطقه‌ای در اجرای برنامه و دیگری علاقه‌مندی مردم به گویشهای محلی. با آنکه شواهدی مبنی بر مقاومت مردم در برابر گسترش پوتونگ هوا مشاهده نشده است، اما موفقیت این برنامه و میزان علاقه‌مندی و شرکت مردم در پیشبرد آن، در مناطق گوناگون آشکارا متفاوت بوده است. تفاوت میان اجرای برنامه در کانتون و شانگهای در آن است که هر چند کودکان در هر دو منطقه می‌توانستند در مدارس یا در گفتگو با افراد غیر محلی از پوتونگ هوا به خوبی استفاده کنند و در موقعیتهای مناسب به گویشهای محلی خود نیز گفتگو نمایند، اما ظاهراً شاگردان مدارس در شانگهای شور و شوق بسیار بیشتری در گسترش پوتونگ هوا از خود نشان می‌دادند.

در هیچ‌جا موردی مشاهده نشده است که مردم گویشهای محلی را پست و کم ارزش بدانند یا از کاربرد آنها احساس حقارت یا خجالت نمایند. البته در برخی موقعیتهای، استفاده از گویشهای محلی مناسب به نظر نمی‌رسد، اما اساساً اولویت پوتونگ هوا بیشتر بر پایه حس وحدت ملی یا نیاز به برقراری ارتباط است تا برتری یا فصیحتر بودن آن نسبت به گویشهای محلی. به علاوه، در مورد برخی از ویژگیهای تلفظی مانند همخوانیهای مرکب و صغیری، تنوعات تلفظی (داشتن لهجه) تا حد زیادی عادی و پذیرفته است. هر چند وجود ویژگیهای گویشی در کاربرد پوتونگ هوا ممکن است سبب طنز دوستانه و ملایمی باشد، اما این نوع تلفظها به هیچ وجه داغ‌ننگی به همراه ندارد. عواملی که سبب پدید آمدن چنین نگرشی شده، بی شک متعدد و پیچیده است. اما شاید یکی از این عوامل آن باشد که بسیاری از رهبران ملی خود اهل مناطق شمالی چین نیستند و از این رو، پوتونگ هوا را با ویژگیهای لهجه محلی خود صحبت می‌کنند.

۵. الفبای آوایی (پین‌ین): پیش از ایجاد نظام نوشتاری الفبایی جدید پین‌ین در سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۸، سه طرح دیگر در این زمینه مورد توجه فراوان قرار گرفته بود. در کنفرانسی که در سال ۱۹۱۳ دربارهٔ یکسان‌سازی تلفظ در پکن برگزار

گردید، طرحی به نام «الفبای آوانگار ملی»^{۲۴} مطرح شد که در آن نشانه‌هایی بر پایه نشانه‌های خط سنتی چینی، به کار گرفته شده بود. در سالهای ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ طرح لاتینی کردن خط به وسیله چائو^{۲۵} و چهار دانشمند دیگر پیشنهاد شد که در آن از الفبای لاتین استفاده شده بود و نواختها از طریق املاي واژه‌ها در يك نظام نسبتاً پیچیده نشان داده می‌شد. طرح دیگری به نام «خط جدید» نیز بر اساس الفبای لاتین در کنفرانسی که در سال ۱۹۱۳ در ولادیوستک برگزار گردید مطرح شد، که در آن نواختها در موارد لازم برای رفع ابهام با نشانه‌های زیر و زبری^{۲۶} نشان داده می‌شد. این نظام در فاصله سالهای ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۷ به طور گسترده‌ای در اتحاد شوروی و به طور محدودی در مناطق آزادشده چین، به ویژه در فاصله سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۳، مورد استفاده قرار داشته است.

بیشتر تغییراتی که از نظر خط‌مشی و استدلال در این طرحها و از جمله در الفبای پین‌ین به وجود آمده، حول سه پرسش درباره ساخت و سه پرسش در مورد کاربرد خط قرار داشته است. پرسشهای مربوط به ساخت نظام نوشتاری عبارتند از: آیا این نظام از نظر ماهیت باید جنبه ملی داشته باشد و نشانه‌های آن شبیه به نشانه‌های خط چینی سنتی باشد یا آنکه باید يك الفبای بیگانه را پذیرفت و در این صورت، کدام الفبا را باید انتخاب کرد؟ در چنین نظامی، نواختها چگونه باید نشان داده شوند؟ آیا نشانه‌ها باید تك هجایی باشند یا به صورت واژه، و در چنین حالتی، چگونه باید باشند؟

مائوتسه‌تونگ در سال ۱۹۵۱ گفته بود که «زبان نوشتاری چینی باید اصلاح شود و این کار باید در جهت آوایی کردن نشانه‌ها باشد که وجه اشتراك همه زبانهای دنیاست». در سیاست استفاده از پین‌ین به این رهنمود استناد می‌گردد. البته در اصل نقل قول، عبارت «الفبای چینی باید صورت ملی داشته باشد» نیز وجود دارد و این بخش گاه‌به‌گاه به میان کشیده می‌شود. در سیاستهای کنونی، مسئله تدوین يك خط الفبایی بر پایه نشانه‌های خط چینی منتفی دانسته شده و کاربرد الفبایی سیریلی^{۲۷} صریحاً مردود شناخته شده است. کمیته اصلاح زبان، استفاده از خط لاتینی پین‌ین را راه‌حل نهایی مسئله خط می‌داند، که گذشته از برخی تغییرات جزئی، در مورد

مسئله تقسیم واژه‌ها و مسئله نواخت، نیازمند بررسیهای بیشتری است. باید توجه داشت که چهار نشانه زیر و زبری برای نمایاندن نواختها، حتی در مواردی که از بین استفاده نمی‌شود، کاربرد گسترده‌ای دارد. به‌عنوان مثال، در آموزش تلفظ به خارجیا یا گویندگان گویشهای مختلف، این نشانه‌ها در بالای خط چینی سنتی نوشته می‌شود. همچنین در آموزش به کر و لالها، نواختها با استفاده از نمادهای اشاره‌ای نشان داده می‌شود. از سوی دیگر، برای جداسازی واژه‌ها از نشانه‌های متفاوتی استفاده می‌گردد. در برخی از تابلوهای عمومی، میان هجاها فاصله گذاشته می‌شود و در بعضی دیگر، فاصله در مرز واژه‌ها می‌آید و در مواردی نیز متن پیوسته بدون هیچ فاصله‌ای میان هجاها و واژه‌ها نوشته می‌شود.

سه پرسش مربوط به کاربرد نظام نوشتاری عبارتند از: آیا الفبای بین‌بین برای نوشتن گویشهای هان و زبانهای غیر هان اقلیتها نیز باید به کار گرفته شود؟ آیا پیش از گسترش قابل ملاحظه بین‌بین باید روند همگانی کردن و گسترش پوتونگ‌ها پایان یافته باشد؟ آیا خط بین‌بین باید به‌طور کامل جانشین نظام نشانه‌های سنتی چینی گردد؟

در حال حاضر، بین‌بین بیشتر برای ساده کردن یادگیری نشانه‌های چینی و سرعت بخشیدن به روند گسترش پوتونگ‌ها در میان گویندگان چینی زبان، در درجه اول، و نیز گویندگان زبانهای اقلیت و زبانهای خارجی، در درجه بعد، کاربرد دارد. این الفبا همچنین در موارد دیگری چون ارسال تلگرامها در اداره راه آهن در شمال چین و به‌عنوان وسیله‌ای برای تنظیم الفبایی واژه‌نامه‌ها و فهرستها به کار گرفته می‌شود. براساس سیاست کنونی، برای نوشتن گویشهای محلی از بین‌بین استفاده نمی‌شود اما سیاست به‌کارگرفتن این خط در زبانهای اقلیت همچنان ادامه دارد و حتی تقویت نیز شده است. در مورد زبانهای اقلیت که قبلاً مکتوب نبوده و تنها جنبه گفتاری داشته‌اند، ده نظام نوشتاری بر پایه بین‌بین ایجاد شده است. این ده زبان عبارتند از: ژوانگ^{۲۸}، میائو، یی^{۲۹}، دونگ^{۳۰}، بویی^{۳۱}، لی^{۳۲}، هانی^{۳۳}، لی سو^{۳۴}، و ناکسی^{۳۵}. چهار ملیت چینی یعنی اویغور، جینگ پو^{۳۷}، قزاق و لاهو^{۳۸} نیز خطی بر پایه بین‌بین را جایگزین نظام نوشتاری سنتی خود کرده‌اند. در

مورد زبانهای اویغوری و قزاقی هنوز تلاش برای گسترش نظام نوشتاری جدید ادامه دارد.

پنج اصلی که در ایجاد و اصلاح نظامهای نوشتاری برای زبانهای مختلف مورد توجه قرار دارند، عبارتند از:

۱. همه نظامهای الفبایی باید لاتینی باشند.
۲. در مورد واجهایی که با واجهای گوشهای هان همانند هستند، باید از نشانه‌های خط پین‌ین استفاده شود.
۳. برای واجهایی که ماندی در گوشهای هان ندارند، باید نشانه‌های زیر و زبری جدید یا حروف ویژه‌ای ساخته شود.
۴. نظامهای نوشتاری زبانهای خویشاوند باید یکسان و یکنواخت باشد.
۵. واژه‌های قرضی هان باید با همان املائی اصلی، یعنی با الفبای پین‌ین نوشته شوند.

در مورد زمان نسبی گسترش زبان پوتونگ هوا و الفبای پین‌ین، برخی بر این عقیده‌اند که کاربرد گسترده پین‌ین نمی‌تواند موفقیت‌آمیز باشد، مگر آنکه مردم قبلاً پوتونگ هوا را آموخته باشند. چنین به نظر می‌رسد که سیاست کنونی بر اساس گسترش تدریجی پین‌ین استوار است و از این رو ضروری نیست که برای گسترش قابل ملاحظه این خط به انتظار پایان کامل گسترش پوتونگ هوا بمانیم.

مسئله جایگزین سازی نهایی نشانه‌های سنتی خط چینی با پین‌ین همچنان مبهم باقی مانده است. بنا به گفته سخنگوی کمیته اصلاح زبان، بسیاری از گروه‌های آموزشی در کتابهای درسی خود از پین‌ین استفاده می‌کنند. در بخش درسهای زبان چینی در مجله چین باز می‌سازد، و مواد آموزشی و بروشورهای مربوطه نیز از پین‌ین استفاده می‌گردد. همچنین، علاوه بر کاربردهای قبلی پین‌ین در روش هجی کردن با انگشتها برای ناشنویان، الفبای برجسته برای نابینایان و ارسال تلگرافها، اکنون در موارد جدیدی چون نام محصولات، علایم روی پرچمها، فهرستها، و نام مکانهای خارجی نیز این الفبا به کار گرفته می‌شود. یکی از برنامه‌های رادیویی برای معرفی پین‌ین که اخیراً از فرستنده مرکزی پخش گردید، با

استقبال کارگران، دهقانان و معلمان روبرو شد و از این رو، دوباره از بسیاری از فرستنده‌های محلی پخش گردید.

کاربرد بین‌ین برای نوشتن نامهای خاص در نشریاتی که در چین به زبانهای خارجی منتشر می‌شود کاملاً عملی نشده، اما کمیته اصلاح زبان اجرای این طرح را در مورد نام مکانها از سال ۱۹۷۵ به تصویب رسانیده است. البته در نقشه چین که اخیراً به چاپ رسیده، کلیه نامها با استفاده از بین‌ین نوشته شده است و نیز با استفاده از همین الفبا، فهرستی از نام مکانها در چین تهیه و برای سازمان ملل متحد که سرگرم گردآوری نام مکانها در سطح جهانی است، ارسال گردیده است.

دولت و حزب در بسیاری از موارد آشکارا از برنامه گسترش بین‌ین حمایت نکرده‌اند. به عنوان مثال، کاربرد بین‌ین در امر تلگراف پیشرفت قابل توجهی نداشته است. یک چنین سیاست محتاطانه‌ای احتمالاً نتیجه اختلاف نظرهای حل نشده‌ای است که در این زمینه در سطح رهبری وجود دارد. اما با وجود سیاست گسترش تدریجی، چنین به نظر می‌رسد که هدف نهایی همان تغییر کامل نظام نوشتاری در جهت الفبایی کردن آن است. همانگونه که در بخش ۳ نشان داده شد، کار گسترش پوتونگ هوا با شدت به پیش رفته و بسیار موفقیت‌آمیز بوده است. بنابراین، اصطلاحات زبانی در چین از نظر تأکیدی که بر سه جنبه مختلف آن گذارده می‌شود، و نیز میزان موفقیت در اجرای هر یک از آنها، متفاوت است.

**** بی‌نوشتها و مأخذ:**

1. W. Lehmann (ed.). 1975. *Language and Linguistics in the people's Republic of china*. Austin: University of Texas press.
2. B. Jernudd (ed). 1986. «Chinese Language Planning». *The International Journal of the Sociology of Language*, 59.
3. Min
4. Wu
5. Miao
6. Yao
7. Manchu

۸. putonghua: زبانی است که تلفظ آن بر پایه گویش بکن، و دستور آن بر اساس گویشهای شمالی چین استوار است و واژگانش از زبان ادبی چین گرفته شده است. (م)

9. Lisi

10. Chin Shi Huang Di

11. May 4th Movement

12. Pinyin

13. Xinjiang

14. Dazhai

۱۵. آموزش نشانه‌ها پس از يك دورهٔ مقدماتی آموزش الفبای آوایی انجام می‌گیرد و هر نشانهٔ تصویری همراه با تلفظ آوایی آن معرفی می‌شود. به‌علاوه، شاگردان می‌آموزند که چگونه ساختمان نشانه‌ها را بر اساس عناصر سازندهٔ آنها توصیف کنند. (م)

16. Han

17. non-Han

18. Xiang

19. Gan

20. Hakka

21. guanhua.

۲۲. lingua franca: زبان مشترکی است که گویندگان زبانهای مختلف برای ایجاد ارتباط به‌کار می‌گیرند. (م)

23. Datian

24. National phonetic Alphabet

25. Y.R.Chao

26. diacritics

۲۷. cyrillic alphabet: يك نظام الفبایی است که در شوروی و در برخی دیگر از کشورهای اسلاو زبان به‌کار می‌رود. این نظام در قرن نهم میلادی انداع شده است. (م)

28. Zhuang

29. yi

30. Dong

31. Buyi

32. Li

33. Hani

34. Lisu

35. Wa

36. Naxi

37. Jingpo

38. Lahu

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی